

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جواد طیب

۰۴ نومبر ۲۰۱۹

تبصره ای بر انتخابات ریاست جمهوری و سناریوهای محتمل بعد از آن

کارنیوال انتخابات ریاست جمهوری بورژوازی افغانستان دیروز (۲۸ / ۰۹ / ۲۰۱۹ برابر با ششم میزان ۱۳۹۸) در محدوده مراکز ولایات و بخشی از ولسوالی ها با سطح اشتراک خیلی پائین "مردم" در آن، برگزار گردید. در اکثریت ساحات دوردست به دلیل جنگ، حضور و تهدید طالبان هیچ خبری از این کارنیوال نبود. دو روز قبل از روز برگزاری انتخابات به دلیل غیر فعال بودن شبکه های مخابراتی و نبود مطلق برق سقوط ولسوالی ها به دست طالبان و تلفات انسانی ناشی از آن در ولایات شمال و شمالشرق اصلاً بازتاب رسانه ئی نیافت؛ تنها در ولایت تخار نه تنها که سه ولسوالی سقوط کرد بلکه در اکثریت بخش های ولسوالی های دیگر نیز ادامه جنگ و حضور طالبان مانع از روند نورمال برگزاری انتخابات شد. این وضعیت در کندز، بغلان، بدخشان، سمنگان، بلخ، جوزجان، فاریاب و ولایات دیگر نیز وجود داشته است و این را تمام تحلیل گران سیاسی به شمول مسؤولان کمیسیون انتخابات و وزرای دفاع و داخله یک دلیل مهم سهم نگرقتن شهروندان در پروسه انتخابات می دانند.

بیشتر کارگزاران و حامیان نظام سیاسی فاکت نبود امنیت را به خودی خود مؤلفه کلان و عامل اصلی عدم مشارکت گسترده زنان و مردم در این پروسه می شمارند که اساساً درست نیست چون مؤلفه ها و عوامل اساسی و مهم را از قلم می اندازند؛ این عامل می تواند به عنوان یک علت و مؤلفه در نظر گرفته شود. دلیل اصلی و تعیین کننده اما چیزی نیست به جز بی باوری مردم نسبت به این سیستم و فرایند آن؛ هر دو عامل برشمرده شده اساسی که حاصل و فرآورده مناسبات حاکم است و به علاوه آن ناکارگی، گند و پوسیدگی حکومت وحدت ملی بازتاب وضعیتی است که مردم علی العموم و طبقات و اقشار زحمتکش به طور ویژه اعتماد شان نسبت به سیستم و ابزارهای مشروعیت دهنده اش را از دست بدهند

در اولین انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردم در آن چیزی حدود هشت و نیم میلیون نفر بود، به همین گونه در انتخابات های دور دوم و سوم ریاست جمهوری. ولی امروزه سطح آگاهی توده ها به حدی رسیده که نتایج شرکت شان در انتخابات های گذشته را تشخیص دهند. با وجود قبول تلفات سنگین و شرکت در پروسه انتخابات در گذشته نیز هیچ تغییری در جهت بهبود وضعیت زندگی اکثریت مردم به وجود نیامده است. فقر، بیکاری، اعتیاد، فحشاء و جنایت بیشتر از هر روزی بیداد می کند. اکنون اکثریت مردم در تجربه زندگی شان پی برده اند که تعیین کنندگی رأی انسان ها در پروسه به شدت توأم با تخلف، تخطی و جرایم انتخاباتی به حد صفر است؛ از سوی دیگر

ابتدائی ترین آدم از لحاظ سطح سواد و بینش سیاسی تا دارنده بلندترین مدرک تحصیلی و تحلیلی در افغانستان به این اذعان دارند که اگر سرسوزن هم مشکل در پروسه انتخابات پیش نیاید باز هم گزینش نهانی از سوی امریکا و ناتو است؛ عملکرد امریکائی ها و شرکاء در پروسه های گزینش معنا دار افغانستان در گذشته پر واضح نشان داد است که رأی از شهروندان کشور ولی انتخاب و گزینش از سوی آنها است.

بدین جهت سطح مشارکت رأی دهندگان در این انتخابات حتی از سوی خوشبین ترین کارشناسان هم چیزی در حد بالاتر از یک میلیون گفته شده است؛ اما من مطمئنم، چه به دلیل تقلب های سازمان یافته ای که پیش و بعد از انتخابات صورت می گیرد و صندوق ها پُر می شود و چه هم از بُعد گرفتن کردیت، کمیسیون انتخابات رقم مشارکت مردم و رأی انداخته شده را خیلی بیشتر و بلند تر از آنچه که حقیقی و واقعی است، اعلام خواهد کرد.

به هر حال فرایند انتخابات و تبعات ناشی از آن بر سرنوشت بیش از سی و چهار میلیون انسان در کشور در همین جا خاتمه نخواهد یافت؛ پس لرزه ها و سناریو های بعد از این مخصوصاً برای طبقات پائینی جامعه نهایت مایه نگرانی است. صحبت های فیگورهای انتخاباتی چه پیش از انتخابات و چه هم در روز انتخابات از مرتجع ترین آنها گرفته تا "دموکرات" ترین شان نشانگر آن است که گویا اگر خود اینها بالاترین رأی را به دست نیاورده باشند مطمئناً که رقبای شان که از بیشترین رأی برخوردار شده باشند را به تبانی با کمیسیون های انتخاباتی و استفاده از زور و قدرت دولتی با تکیه بر نیروی بیرونی متهم و نتیجه انتخابات را به نبرد فرا خواهد خواند.

بدین معنا که برآیند انتخابات هر چه که باشد به استثنای یک یا دو کاندیدای پیش تاز برای بازیگران دیگر قابل قبول نیست؛ البته برخی از این کاندیداتورها خود نیز باورمند نیستند که کسی به آنها رأی داده باشد بل از سر این است که با این چانه زنی ها و مرده باد و زنده باد گفتن ها در تلاش اند تا پس از انتخابات از این نمد سهمی را صاحب شوند. متأسفانه شرایط پیش آمده زمینه سناریوی رفتن انتخابات به دور دوم، قابل پذیرش نبودن نتیجه آن برای جوانب ذی دخل و بر اساس آن بدتر شدن اوضاع را از همین حالا بازگو می کند. از سوئی این امر می تواند سرتیتر برنامه های امریکا و ناتو هم باشد تا در نهایت باز من حیث منجی بشریت افغانستان، موضوع را همانند گذشته دراماتیک حل و فصل کنند و گویا بار دیگر خاطر نشان سازند که در هر صورت نبود اینها اوضاع را می تواند دوباره به دهه های خونین پیشین برگرداند.

از جانب دیگر با در نظر داشت وضعیت کنونی افغانستان یعنی شرایط صلح با گروه تروریستی طالب، نفوذ و فوکس قدرت های منطقه در اوضاع کشور، شرایط را یک مقدار برای کارگزاران سیاسی داخلی و بیرونی تنگ ساخته است؛ یعنی نتایج نهائی این دور انتخابات ریاست جمهوری خلاف دوره های گذشته همه این پیوند ها و زد و بند ها را تا حدی باید در نظر داشته باشد. بدین اساس سناریو های بعدی نه در حد پیش گوئی بل در هیأت مظاهر اجتماعی که رخ داده است نشان می دهد که امریکا در این دور نباید تا آخرین ثانیه های دقیقه نود کاراکتر و منفعت خود را به کرسی نشاند، اما در غایت مطمئناً مسأله به نفع آنها خواهد بود.

در سناریوی اول ممکن بعد از رفتن انتخابات به دور دوم، رقابت بین تیم عبدالله عبدالله و اشرف غنی که ممکن یک تعداد از فیگور های انتخاباتی دیگر بیشتر حول این دو جمع شوند، برگزار گردد. از قراین چنین بر می آید که قرار است عبدالله عبدالله برنده اعلام شود و چندی نگذشته (یعنی پیش از انتخابات ریاست جمهوری امریکا) دوباره مسأله صلح با طالبان و ادغام سیاسی این گروه تروریستی، در چهارچوب ایجاد یک حکومت ائتلافی و یا هم دوباره تا سرحد حکومت موقت به انجام رسانیده شود. چون تیم "ثبات و هم گرایی" با در نظر داشت کسانی که در محور این تیم جمع اند و هم از نظر شعار ها و دیدگاه های که نسبت به توافق صلح و مذاکرات صلح امریکا با طالبان داشت

گزینه مؤثر این سناریو است؛ بدین معنا که در سناریو های از این دست آنچه که برای سیاست و منافع امپریالیستی مهم است شکل و شمایل افراد نیست. ریش و پشم یا هم نیکتائی و یا تکنوکرات بودن زیاد ملحوظ نظر نیست هر که خوبتر و مؤثرتر قادر به انجام برنامه ها و ستراتیژی قدرت های سرمایه داری باشد را به خدمت میگیرند.

سناریوی بعدی می تواند زمینه دادن به اشرف غنی تا یک مرحله معین باشد که با تکیه بر زور و قدرت دولتی و نفوذ تیم "دولت ساز" بر کمیسیون های انتخاباتی برآیند انتخابات را بعد از دور دوم به نفع خود اعلام کند و اوضاع بیش از پیش به وخامت برود و او خود بار دیگر مانند سال ۲۰۱۴ ناگزیر خواستار مداخله صریح و آشکار امریکا برای مدیریت وضعیت پیش آمده شود.

سناریوی دیگر به گونه ای خواهد بود که یا پیش از رفتن به دور دوم انتخابات یا هم بعد از آن نتیجه نهائی انتخابات همانند انتخابات پارلمانی گذشته در هاله ای از تاریکی، اعتراضات و کشمکش ها تا یک مدت زمانی نا معلوم نگهداشته خواهد شد تا این که کاراکتر ها و تیم های مختلف که هر کدام به گونه ای با یکی از کشور های منطقه یا فرامنطقه تار دارد، به یک طرحی که به منفعت عمومی امریکا-ناتو باشد گردن نهند.

اما در این بحیوچه لااقل از دید من خلاف جمع زیادی از رأی دهنده ها و کنش گران اجتماعی به شمول یک تعداد تیم های انتخاباتی نبرد نه بر سر مسأله جمهورییت و امارت که اساساً بحث اصلی بر سر تقابل منافع کشور های امپریالیستی و به تبع آن منافع تیم های حاکم در داخل است و از همین مبنا نتایج این انتخابات به شکل متعارف آن نخواهد بود تا لا اقل اگر سود آنی به نفع توده های زحمت کش نداشته باشد حداقل بتواند جامعه را به سمت متعارف شدن سوق دهد؛ با تأسف باتوجه به تعارض منافع نیروها و قدرت ها نمی توان از این منظر چشم امیدی به فرجام این پروسه داشت.